

❏ **قافیه:** کلمه‌هایی که در آخر مصرع‌ها می‌آید و یک یا چند حرف اصلی آخر آن‌ها مشترک است مانند: روان و زبان

❏ **ردیف:** کلمه یا کلمه‌هایی که بعد از قافیه عیناً تکرار شود مثل واژه‌ی «ده» در بیت زیر:

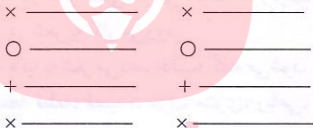
از ظلمت خود رهایی‌ام ده با نور خود آشنایی‌ام ده
❏ وجود قافیه در شعر سنتی الزامی است اما ردیف به اختیار شاعر در شعر به کار می‌رود.

به شکلی که قافیه به شعر می‌دهد «قالب» گفته می‌شود.
❏ انواع قالب‌ها: قطعه، قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و...

❏ عوامل مؤثر در تشخیص قالب‌ها: طرز قرار گرفتن قافیه، تعداد ابیات، موضوع و وزن (آهنگ) شعر.

- **مثنوی یا دوگانه:** قالب شعری است که مصرع‌های آن دو بدو هم قافیه‌اند و قافیه‌ی هر بیت مستقل است و بیشتر برای سرودن ابیات طولانی و افسانه‌ها و حکایات به کار می‌رود مانند شاهنامه، مثنوی معنوی، خمسه‌ی نظامی

مثنوی یا دوگانه: قالب شعری است که مصرع‌های آن دو بدو هم قافیه‌اند و قافیه‌ی هر بیت مستقل است و بیشتر برای سرودن ابیات طولانی و افسانه‌ها و حکایات به کار می‌رود مانند شاهنامه، مثنوی معنوی، خمسه‌ی نظامی
 شکل گرافیکی آن به این گونه است:



نظامی گنج‌ای (۶۱۴-۵۳۰): بزرگ‌ترین شاعر داستان‌پرداز بزمی ایران است؛ مجموعه‌ی پنج دفتر شعر او به «پنج گنج» یا «خمسه» مشهور است که عبارت‌اند از: مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، هفت‌پیکر، لیلی و مجنون و اسکندرنامه

❏ **خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۹۶):** مشهور به پیرهرات و شیخ الاسلام و شیخ انصار صاحب کتاب الهی نامه و مناجات نامه و تفسیری از قرآن که بعدها اساس کار رشیدالدین میبدی در «کشف الاسرار» شد و ویژگی نثر او مسجع بودن است.

❏ **سجع:** به کار بردن قافیه در نثر می باشد و در آن کلماتی هم آهنگ و یا با حروف آخر یکسان در پایان جمله ها به کار می رود

❏ **مسجع:** نوشته ای که در آن آرایه سجع به کار رفته باشد مانند مناجات نامه و گلستان سعدی.

❏ **واژه ها:**

نامه: کتاب (در این درس)

جان بازیم: فدا شویم

هست کن: ایجاد کننده و خالق عصر

آن جهان: آخرت

www.my-dars.ir

درازدستی: تجاوز، ستمگری

راه: مسیر درست، هدایت

عنایت: توجه و بخشش

چاه: گمراهی (در این درس)

ظلمت: تاریکی، گمراهی

دست گیر: یاری کن

مونس: همدم، یار

درس اول

چهارپاره (دوبیتی نو): قالب شعری که شامل

چند بند می شود؛ هر بند از دو بیت تشکیل می شود و

مصرع دوم و چهارم هر بند هم قافیه است و برای

بیان مسائل اجتماعی و غنایی به کار می رود و بعد از

مشروطه در شعر شاعران به کار رفته است.

شکل گرافیکی آن اینگونه است:

www.my-dars.ir

× _____

× _____

○ _____

○ _____

Δ _____

Δ _____

(شعر کلاس جنگل سبز، یک چهارپاره است)

✍ قیصر امین پور (۱۳۸۶-۱۳۳۸): شاعر معاصر و

صاحب آثار: در کوچه آفتاب، تنفس صبح، مثل

چشمه مثل رود، به قول پرستو، آینه‌های ناگهان،

دستور زبان عشق

✍ تشخیص (آدم‌نمایی و شخصیت‌بخشی،

انسان‌نمایی): نسبت دادن ویژگی‌ها و رفتار انسانی

مثل فکر کردن و حرف زدن به حیوانات و اشیا و

گیاهان را تشخیص می‌نامیم؛ تشخیص نوعی

استعاره نیز می‌باشد مثل: دانه آرام بر زمین

افتاد / رفت و انشای کوچکش را خواند

✍️ گاز تشخيص برای خیال انگیز کردن نوشته استفاده می شود.

✍️ تشبيه: همانند کردن یک چیز یا کسی (مشبه) به وسیله ادات تشبيه (کلمه‌هایی مثل: مانند، بسان، چون) به کسی یا چیز دیگر (مشبه به) به دلیل یک ویژگی مشترک (وجه شبه) مثل:

غنچه هم گفت: گرچه دل تنگم

مشبه

مثل لبخند باز خواهم شد

ادات تشبيه مشبه به وجه شبه

✍️ گاز تشبيه برای زیبایی و تأثیر گذاری سخن و نوشته استفاده می شود

✍️ گاز تشبيه، وجود مشبه و مشبه به ضروری است اما

گاهی «ادات تشبيه» و یا «وجه شبه» حذف می شود.

حذف وجه شبه:

روشن و گرم و زندگی آرام

آسمان مثل یک تبسم شد

مشبه ادات تشبیه مشبه به

حذف ادات تشبیه:

شبم از روی برگ گل برخاست

مشبه

گفت می خواهم آفتاب شوم

مشبه به

از بین پایه های تشبیه «مشبه به» از همه مهم تر

است و می توان وجه شبه را از آن استنباط کرد.

واژه ها و ترکیبات:

فارغ: آسوده کام: آرزو

زائر: زیارت کننده طفولیت: کودکی

می خواهم آفتاب شوم: به بلندی و اوج برسم

زنجره: نوعی حشره ی صدا دار

بگزارد: به جا آورد مصحف: قرآن و کتاب

دو گانه‌ای: دو رکعت نماز

متعبد: عبادت کار، عابد به: بهتر

طایفه‌ای: گروهی غفلت: بی خبری

در پوستین خلق افتی: غیبت دیگران را بکنی، در کار

دیگران دخالت کنی

درس دوم

واژه‌ها و ترکیبات:

دیرینه: قدیمی

دل می‌دادم: شیفته می‌شدم

اعجاز: معجزه و خارق‌العاده کردن

ضمیر: درون گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

علی شریعتی (۱۳۵۶-۱۳۱۲): روشنفکر
بزرگ معاصر و صاحب آثار کویر، اسلام‌شناسی و
فاطمه فاطمه است.

جمله یک یا چند کلمه است که پیامی را از
گوینده به شنونده و یا از نویسنده به خواننده
می‌رساند.

جمله‌ها از جهت پیام و محتوا به چهار دسته
تقسیم می‌شوند:

جمله‌ی خبری در بردارنده «خبر» است و معمولاً
در پایان آن نقطه می‌گذاریم.

جمله‌ی پرسشی در بردارنده «سؤال» است؛
گاهی با کلمه‌های پرسشی مثل آیا، چرا، چگونه،
کی، کجا و... می‌آید و گاهی بدون کلمه پرسشی و
همراه با آهنگ و لحن پرسشی؛ در پایان جمله‌های
پرسشی علامت سؤال می‌آید.

جمله‌های امری در بردارنده «درخواست به انجام

کاری» است و مانند جمله‌های خبری،

در پایان آن نقطه می گذاریم.

﴿جمله‌های عاطفی در بردارنده‌ی «احساس» گوینده یا نویسنده است و در پایان آن علامت می آید.﴾

﴿بعضی جمله‌های عاطفی فعل ندارند مثل: به به! چه هوای خوبی!﴾

﴿حس آمیزی: به کار بردن دو حس مختلف برای یک چیز مثل: سعدی شیرین سخن که «شیرین» به حسّ چشایی مربوط می شود و «سخن» به حسّ شنوایی.﴾

﴿شعر نیمایی شعری است که برخلاف شعر سنتی، مصرع‌های آن مساوی نیست و کوتاه و بلند می شود و قافیه در آن اجباری نیست، شعر «جلوه‌ی روی خدا» یک شعر نیمایی است و شکل گرافیکی شعر نیمایی گاهی این گونه است:﴾

www.my-dars.ir

تضاد (طباق): به کار بردن دو کلمه ضد هم در

بیت مثل: پیر و برنا

واژه‌ها و ترکیبات:

برنا: جوان انحراف: منحرف و از راه دور شدن

تحلیل: بررسی اوایل: آغازها

به رغم: برخلاف استحکامات: موانع محکم

رسانه‌ها: وسایل ارتباط جمعی

با حرف ساخته نمی شود: نیاز به عمل و کار دارد.

بیالد: رشد کند، اوج بگیرد

طلایی: با ارزش و درخشان زشی عصر

www.my-dars.ir

مگشای راز: راز خود را بیان نکن

زنهار: آگاه باش مراد: آرزو

سر: پوشاندن، راز جفت: همراه

جلال‌الدین مولوی (۶۷۲-۶۰۲) شاعر عارف و

صاحب آثار مثنوی معنوی و دیوان شمس (کبیر)

جمله‌ها از لحاظ ساختمان به دو دسته‌ی بی‌فعل و با فعل تقسیم می‌شوند.

جمله‌های بی‌فعل مانند: آفرین، صبح‌بخیر، شهادت یعنی مرگ در راه خدا

در جمله‌های با فعل، اصلی‌ترین نقش و انتقال‌دهنده‌ی پیام «فعل» می‌باشد.

فعل در جمله‌های عادی معمولاً در پایان جمله می‌آید.

در جمله‌های ادبی و شعر گاهی نظم جمله به هم می‌خورد و جایگاه فعل تغییر می‌کند.

شرط جمله بودن یک متن داشتن معنی

کامل است و اینکه شنونده منتظر ادامه آن نباشد.

جمله ممکن است یک کلمه و یا تعدادی کلمه باشد.

هرگاه بخواهیم مقصود خود را بیان کنیم از زبان استفاده می‌کنیم؛ در زبان واژه‌ها در معنی واقعی خود به کار می‌روند و از عناصر زیبایی سخن مثل تشبیه، تشخیص و... استفاده نمی‌شود.

هرگاه بخواهیم مقصود خود را زیبا و مؤثر بیان کنیم از ادبیات استفاده می‌کنیم در نوشته‌ی ادبی گاهی واژه‌ها در معنای غیرحقیقی به کار می‌روند و از آرایه‌ها و عناصر زیبایی سخن استفاده می‌کنیم.

برای تشخیص تعداد جمله‌ی یک متن تعداد فعل‌ها و تعداد شبه‌جمله‌ها و تعداد جمله‌هایی که فعل آن‌ها حذف شده را به دست می‌آوریم

شبه‌جمله: کلمه یا کلماتی که مفهوم جمله

را دربردارد اما دارای نهاد و گزاره نیست مانند آفرین،
سعدیا

شبیه جمله از لحاظ شمار یک جمله محسوب
می شود.

منادا نیز شبه جمله است.

منادا معمولاً همراه با «ای» (ای مسلمانان) و یا با «ا»
(سعدیا) و گاهی بدون نشانه می آید.

درس چهارم

محمدجواد محبت (متولد ۱۳۲۲): صاحب آثار
رگبار کلمات، کوچه باغ آسمان، با بال این پرنده سفر
کن.

طاهره ایبد (متولد ۱۳۴۲): نویسنده ادبیات
کودک و نوجوان و صاحب آثاری چون: باغچه توی
گلدان و به هوای گل سرخ

کلمات و ترکیبات:

مثل یک تبسم شد: شکوفا و زیبا شد

شکوفه‌ای خندید: شکوفه شکوفا شد

روله: فرزند دل سردی: ناامیدی و غم

منظور از بهار: جوانی و نوجوانی

هم خانواده‌ها: واژه‌هایی هستند که دارای ریشه‌ی مشترک هستند.

هم خانواده‌ها به دو دسته‌ی فارسی و عربی تقسیم می‌شوند.

هم خانواده‌های فارسی از یک مصدر و بن مشترک برخوردار هستند؛ برای مثال، واژه‌های خندان، خنده، می‌خندد و خندید از مصدر «خندیدن» می‌باشند از اینرو «هم خانواده» محسوب می‌شوند.

هم خانواده‌های عربی معمولاً دارای سه حرف اصلی مشترک هستند؛ برای مثال، واژه‌های مستکبر، استکبار، کبرا، کبیر و مکبر با وجود تفاوت‌های ظاهری، دارای سه حرف اصلی (ک. ب. ر) می‌باشند

از اینرو «هم خانواده» محسوب می‌شوند.

هم خانواده‌ها از نظر معنایی نیز با هم ارتباط دارند.
در واژه‌های عربی، علاوه بر داشتن سه حرف اصلی، ترتیب حروف نیز مهم است برای مثال واژه‌ی «نَسَاخ» با «سَنَخ» هم خانواده نیست زیرا ترتیب سه حرف اصلی آن‌ها یکسان است.

واژه‌هایی مانند «حَب، ضِد، حَق و حَد» نیز دارای سه حرف اصلی هستند با این تفاوت که حرف دوم و سوم آن‌ها به جهت یکسانی در هم ادغام شده‌اند:
حَب ← حَبْ

جمله‌های با فعل به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم می‌شوند.

نهاد: بخشی از جمله است که بقیه‌ی جمله درباره‌ی آن خبر می‌دهد و انجام کار یا داشتن حالتی به آن نسبت داده می‌شود و معمولاً در ابتدای جمله می‌آید.

گاهی جایگاه «نهاد» در جمله جابجا می‌شود، ۱۶

مثل: زنگ تفریح را که زنجره زد.

نهاد

گاهی «نهاد» از جمله حذف می شود در این صورت از شناسه ی فعل، آن را تشخیص می دهیم، مثل تا توانی پیش کس مگشای راز: نهاد: «تو» گزاره درباره ی نهاد توضیح می دهد. اصلی ترین نقش گزاره فعل است.

گاهی فعل بر انجام کار دلالت می کند. (به این فعل ها فعل خاص گفته می شود)، مثل: علی به مدرسه رفت.

گاهی فعل صفت یا حالتی را نشان می دهد و آن صفت را به کسی نسبت می دهد. (به این فعل ها فعل ربطی گفته می شود) مثل هوا سرد است.

فعل های ربطی یا اسنادی عبارت اند از: است، بود،

شد، گشت، گردید.

صفت یا حالتی که به وسیله فعل ربطی

به نهاد نسبت داده می شود، مسند خوانده می شود.
✍ مسند را می توان با سؤال «چه» یا «چطور»
تشخیص داد.

✍ مراعات نظیر (تناسب یا شبکه ی معنایی): به کار
رفتن واژه هایی که از جهت نوع، جنس، زمان، مکان
و... به هم مربوط باشند

✍ مترادف به کلمه هایی گفته می شود که معنای
آنها یکسان باشد.

✍ در واژه هایی که آخر آنها «ه غیرملفوظ» باشد
وقتی «ی» یا «ان» بگیرند، «ه» تبدیل به «گ»
می شود، مثال:

آزاده + ان ← آزادگان

آزاده + ی ← آزادی

✍ فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی برای واژه های
بیگانه معادل های فارسی برمیگزیند از جمله:

کامپیوتر: رایانه

طیاره: هواپیما

درس پنجم

کلمات و ترکیبات:

آزاد می‌روند: آزاده از دنیا می‌روند

در قلب جا گرفتن: مورد علاقه واقع شود

مفعول کلمه‌ای است که دارای حرف «را» است و یا می‌تواند «را» بگیرد.

علی درس را خواند.

او سیب خرید ← او سیب (را) خرید.

مفعول

مفعول کلمه‌ای است که فعل بر آن واقع شده است. گروه آموزشی عصر

برای تشخیص مفعول، بر سر فعل سؤال «چه چیز را» و یا «چه کسی را» می‌آوریم.

او کوه را نگرِست.

چه چیز را نگرِست؟ - کوه را

مفعول

احمد را یاری کردیم.

چه کسی را یاری کردیم؟ - احمد را

مفعول

تکرار آگاهانهٔ واژه یا واژه‌هایی در اثر ادبی به شرط زیباسازی و تأثیرگذاری حسن است و آن را آرایهٔ تکرار می‌نامند، مثل:

«از درد سخن گفتن و از درد شنیدن

با مردم بی درد ندانی که چه دردی است»

هم‌آوا: واژه‌هایی که از جهت تلفظ یکسان و از جهت املا و کاربرد متفاوت باشند مثل: حیات و حیاط، غدیر و قدیر، جذر و جزر

داستان‌ها از جهت روایت دارای دو زاویه‌ی دید

هستند: اوّل شخص مفرد (من)،

سوم شخص مفرد (او) یا دانای کل

گاهی تشبیه به صورت یک ترکیب در می آید که در اصطلاح به آن اضافه تشبیهی یا تشبیه بلیغ اضافی می گویند مثال:

خرم از تو بهار ایمان است

بهار ایمان: ایمان مانند بهار زیبا است.

مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه شبه

اضافه های تشبیهی درس: آفتاب قرآنی، شط

خورشید، شکوفه های دعا، ستاره ی اشک، سپهر رخ

- نادر ابراهیمی (۱۳۷۸-۱۳۱۵): نویسنده و

سینماگر و صاحب آثاری چون خانه ای برای شب،

سه دیدار، کلاغ ها، سنجاب ها، دور از خانه،

قصه های ریحانه خانم، قصه ی سار و سب، نوسازی

حکایت های خوب قدیم برای کودکان

﴿ تلمیح: اشاره به حدیث، آیه و یا هر دانسته پیشین در ضمن شعر مثل «زیر پایت بهشت جاوید است.» که به حدیثی از پیامبر (ص) اشاره دارد. ﴾

درس ششم

﴿ پروین اعتصامی (۱۳۰-۱۲۸۵): صاحب دیوان اشعار ﴾

﴿ سید محمد حسین بهجت تبریزی (۱۳۶۷-۱۲۸۵): ﴾

متخلص به شهریار و غزلسرای بزرگ معاصر و صاحب دیوان اشعار و منظومه ترکی «حیدربابا یه سلام»

﴿ مناظره به شعری گفته می شود که در آن دو یا چند شخصیت به گفتگو و بحث با هم می پردازند. ﴾

بیش تر قطعات پروین اعتصامی به صورت مناظره

گروه آموزشی عصر

است.

﴿ اضافه شدن پسوند «-ک» به اسم، گاهی آن را

مصغر (کوچک شده) می کند، مثال: بامک: بام

کوچک

کلمات و ترکیبات:

گیتی: جهان توش: ذخیره و اندوخته

عجز: ناتوانی دمساز: همراه

اولیا: بزرگان دین شاخی: شاخه‌ای

باز: پرنده‌ی شکاری مستجاب: پذیرفته

برزن: کوی و کوچه فتنه: بلا و آزمایش

آرام: آرامش بی‌بن: بی‌ریشه

سرپنجه: سرانگشت بخشب: بخواب

بایزید بسطامی: از بزرگان عرفان و تصوف

از بهر خدای بکش: به خاطر خدا تحمل کن

همه جمله‌های با فعل دارای نهاد هستند (حتی

اگر نهاد آنها حذف شده باشد)

بعضی از جمله‌ها علاوه بر نهاد و فعل نقش مسند

و یا مفعول دارند. www.my-dars.com

- متمم: کلمه‌ای است که بعد از حرف اضافه می‌آید

و به وسیله آن به فعل مربوط می‌شود،

مثال: علی به پدرش می‌نازد.

متمم

حروف اضافه عبارتند از: از، به، در، با، برای

در شعر و نوشته‌های ادبی بنا به ضرورت وزن و قافیه و یا تأکید و زیبایی، نقش‌های جمله‌ها جابجا می‌شوند و مثلاً فعل از آخر جمله به اول می‌آید و... در باز گردانی نقش‌های جمله را مرتب می‌کنیم، بعضی کلمه‌ها را نیز حذف یا اضافه می‌کنیم.

نگردد شاخک بی‌بن برومند ← شاخک (شاخه‌ی کوچک) بی‌بن (بی‌ریشه و پایه) برومند (بزرگ و میوه‌دار) نمی‌گردد. **آموزشی عصر**

مخفف: شکل کوتاه شده بعضی از کلمات است که در شعر و یا نوشته‌های ادبی به کار می‌رود

مثل: فتاد ← افتاد نامده ← نیامده

گاهی تشبیه به صورت یک جمله اسنادی
درمی آید که در اصطلاح به آن تشبیه بلیغ اسنادی
می گویند، مثال:

وقت طلاست.

وقت مانند طلا با ارزش است

مشبه ادات تشبیه مشبه به وجه شبه

واژه ها و ترکیبات:

صرف: مصرف کردن دل شوره: نگرانی

اثنا: میانه ها، بین ها عازم: راهی، روانه

مزار: قبر شوفر: راننده

تصدیق: تأکید بنیاد: اساس

دیده: چشم دی: دیروز، گذشته

از کوره در رفت: عصبانی شد

عمر بر باد کردن: تلف کردن عمر

به دل می نشیند: خوشایند است

پر زدن دل: اضطراب و آشفتگی

فردا: (در این درس) «آینده»

مصاحبت: هم‌نشینی تلخیص: خلاصه و فشرده

نهج البلاغه: به معنای راه و روش سخن‌رسان و

سنجیده، گزیده نامه‌ها و خطبه‌ها و سخنان قصار

حضرت علی (ع)

رباعی: شامل چهار مصرع است که مصرع اول و

دوم و چهارم هم‌قافیه باشند. شکل گرافیکی آن

این گونه است:

× _____ × _____
× _____ × _____

مشهورترین رباعی سرای ایران خیام نیشابوری

است و رباعی موجود در درس از اوست.

یکی از عناصر تشکیل‌دهنده شعر و اثر ادبی

تخیل یا خیال‌پردازی است.

✍ برای ایجاد تخیل در شعر از آرایه‌هایی چون تشبیه، تشخیص، کنایه، استعاره، حس‌آمیزی و... استفاده می‌شود.

✍ هوشنگ مرادی کرمانی (متولد ۱۳۲۳) نویسنده‌ی مشهور داستان‌های کودک و نوجوان و صاحب مجموعه‌ی پنج جلدی «قصه‌های مجید»

درس هشتم

✍ کلمات و ترکیبات:

امام: پیشوا

تنفر: نفرت و بیزاری

اخلاص: پاک‌دلی

عطش: تشنگی زیاد

وجد: شادمانی

حجره: اتاق کوچک

غنیمت شمرد: قدر دانستن

عَلَّامه: صفت کسی که علم بسیار دارد

- ناصر خسرو فبادیانی: شاعر بزرگ دینی قرن پنجم و

صاحب آثاری چون سفرنامه، وجه دین،

زادالمسافرین، سفرنامه؛ ویژگی عمده‌ی شاعری

ناصر خسرو خودداری از مدح شاهان و تلاش برای گسترش تعالیم مذهبی است.

✍ محمد تقی جعفری (۱۳۷۷-۱۳۰۴): دانشمند اسلامی و صاحب آثاری دربارهٔ نهج البلاغه و مثنوی معنوی

درس نهم

✍ نیما یوشیج (علی اسفندیاری): پدر شعر نو و صاحب آثاری چون افسانه و ققنوس، ای شب، قصه‌ی رنگ پریده

✍ ویژگی شعر نیما یوشیج: کوتاه و بلندی مصرع‌ها، بیان رمزگونه، ترسیم سیمای جامعه، بهره‌گیری از عناصر طبیعت و داشتن قافیه‌ی آزاد در شعر

✍ نظام وفا (۱۳۴۳-۱۲۶۶) معلم نیما یوشیج

www.my-dars.ir

کلمات و ترکیبات:

خُرد: کوچک فراغت: آسودگی

چمیدن: با ناز راه رفتن تلاوت: خواندن

ملک وجود: جهان هستی

مردم چشم: مردمک چشم

زمزمه: نجوا، سخن زیر لب

آرمیدن: آسوده شدن و خفتن

مشاعره: مسابقه‌ی شعرخوانی

ویژگی‌های فعل: زمان، شخص، گذر، وجه،

معلوم و مجهول

فعل از جهت زمان به سه دسته‌ی گذشته، حال

و آینده تقسیم می‌شود.

قطعه شعری است که تنها مصرع‌های دوم آن

هم‌قافیه‌اند و بیشتر برای بیان پند و اندرز و مسائل

اخلاقی و اجتماعی به کار می‌رود.

محمدتقی بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۶) مشهور به

ملک الشعرا از شاعر بزرگ معاصر و نویسنده‌ی

کتاب «سبک‌شناسی»

شکل گرافیکی قطعه این گونه است:

× _____

× _____

× _____

✍ **نورالدین عافی:** رزمنده و خاطره‌نویس و صاحب اثر «نورالدین پسر ایران» که به وسیله معصومه‌ی سپهری به نگارش درآمده است.

✍ **تذکر:** گاهی مصرع اول نیز با مصرع‌های دوم هم‌قافیه می‌شود که در اصطلاح به آن قطعه مصرع (مصرعه) گفته می‌شود.

✍ **غزل قالب شعری است که مصرع اول آن با همه مصرع‌های زوج هم‌قافیه است معمولاً بین ۵ تا ۲۰ بیت را شامل می‌شود و بیشتر برای بیان مسائل عاطفی، عاشقانه و عارفانه و گاه اجتماعی به کار می‌رود؛ بزرگ‌ترین غزل‌سرایان ایران سعدی، مولوی و حافظ هستند؛ شکل گرافیکی آن این گونه است:**

× _____ × _____

× _____ _____

× _____ _____

درس دهم

کلمات و ترکیبات:

متواضع: فروتن از دیرباز: از قدیم

صحن: حیاط حرم

کیومرث صابری فومنی (۱۳۸۳-۱۳۲۰)

معروف

به گل آقا و نویسنده‌ی یادداشت‌های طنز «دو کلمه

حرف حساب»

فعل از جهت شخص به سه دسته‌ی گوینده

www.my-dars.ir

(اول شخص)، شنونده (دوم شخص) و شخص دیگر (سوم شخص) تقسیم می‌شود.

شخص‌های فعل از جهت تعداد به دو دسته‌ی مفرد و جمع تقسیم می‌شوند از اینرو در فارسی ۶ شخص و ساخت فعلی وجود دارد.

سعدی شیرازی (۶۹۰-۶۰۶): از بزرگترین ادیبان ایران و صاحب آثار بوستان، گلستان، دیوان اشعار.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

کلمات و ترکیبات:

تکلم: سخن گفتن شاهد: مثال و مصداق

رستگاری: خوشبختی مقتدا: رهبر

ذوق: چشیدن و استعداد چشم داشتن: انتظار داشتن

صمیمیت: یگ رنگی استعداد: توانایی، قابلیت

شایان: شایسته اقلیت: اندک بودن

جامه: لباس مؤذن: اذان گو

بانگ: فریاد دیگر سرای: جهان دیگر

نحو احسن: بهترین راه و صورت

سراندر نیاری: گرفتار و اسیر نشوی

حیدر: لقب حضرت علی (ع)

مظاهر: جمع مظهر، نشانه‌ها

وصی: جانشین (حضرت علی) www.my-dars.ir

- مرتضی مطهری (۱۳۵۸-۱۲۹۸): متفکر دینی و

صاحب آثاری چون: خدمات متقابل اسلام و

ایران، داستان راستان، تماشاگاه راز، سیری در
نهج البلاغه، جاذبه و دافعه‌ی علی (ع)

ضمیر: کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا
از تکرار آن جلوگیری کند.

از انواع ضمیر، ضمیرهای شخصی است که به
دو دسته‌ی گسسته (جدا) و پیوسته تقسیم می‌شود

انواع ضمیرهای گسسته که به طور مستقل به کار
می‌روند: من، تو، او، ما، شما، ایشان

انواع ضمیرهای پیوسته که به واژه‌های دیگر
می‌چسبند: م، ت، ش، مان، تان، شان

حکیم ابوالقاسم فردوسی (۴۱۱-۳۲۹):
بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ادبیات فارسی و سراینده
«شاهنامه»
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

درس دوازدهم

کلمه‌ها و ترکیبات:

اسوه: نمونه، الگو

محزون: غمگین، غمناک

پاینده: باقی، ماندگار

مهر: مهربانی

رأفت: مهربانی

حکیم: دانشمند، فیلسوف

هنر: فضیلت

حدّ لزوم: اندازه‌ی موردنیاز

عطوفت: مهربانی

حریم: مرز

مواعظ: پندها

تندخویی: بداخلاقی

مدارا: آشتی و سازش

سروده: شعر

سروده: شعر

اعتدال: تناسب، زیبایی

ظلال: سایه‌ها، پناه

مُلک: بزرگی و عظمت

نشاید: شایسته نیست

تفاریق: اندک اندک

در نفس خود: ذاتاً

دولت: ثروت و حاکمیت

قدر: اندازه، ارزش

فروماند: ناتوان می ماند

پیش دستی: سبقت، جلو افتادن

تجمل: زیور بستن، خودآرایی

خواجه: ارباب، ثروتمند، رئیس

لقمه چینند: گدایی کند

بر صدر نشینند: به مقام بلند می رسد

به فعل هایی که در زمان گذشته روی داده است،

ماضی گفته می شود. او دیروز درس خواند.

قید گذشته ماضی

به فعل هایی که در زمان حال و آینده روی

می دهد، مضارع گفته می شود:

او اینک درس می خواند، او فردا درس می خواند.

قید حال مضارع قید آینده مضارع

یکی از انواع مضارع، فعل «مضارع اخباری» است.

ساختمان فعل مضارع اخباری این گونه است:

می + بن مضارع + شناسه می روم،

www.my-dars.ir

می خوانم

- برای ساخت «بن مضارع» از صورت امری فعل «ب»

شناسه‌ها عبارت‌اند از: م؛ ی، د، یم، ید، ند

نقل مصرع، بیت، حدیث، آیه و گفته‌ی یک شخصیت در شعر یا اثر ادبی را تضمین می‌گویند. شعر گل و گِل دارای تضمین است.

بن‌ها دو دسته‌اند: ماضی و مضارع

بن ماضی با حذف «ن» از آخر مصدر به دست می‌آید. رفتن ← رفت دیدن ← دید

آخر همه‌ی بن‌های ماضی «د» یا «ت» وجود دارد. مصدر کلمه‌ای است که بر انجام کار دلالت می‌کند و در آخر آن «ن» وجود دارد.

فرق مصدر با فعل در آن است که در مصدر زمان و شخص معنا ندارد.

ساخت مصدر این گونه است: بن ماضی + ن

- متون ادبی به دو نوع هستند: نظم و نثر

در نظم مصرع‌ها برابرند و آهنگ (وزن) و قافیه وجود دارد و از نظم خاصی پیروی می‌کند.

دوبیتی، چهارپاره و

نثر به معنی «پراکنده» است و هیچ یک از ویژگی‌های نظم را ندارد.

نثر به دو نوع تقسیم می‌شود: ساده و ادبی

ویژگی‌های نثر ساده: نویسندۀ طبیعی، روان و ساده می‌نویسد و هدف او رساندن پیام به مخاطب است.

ویژگی‌های نثر ادبی: علاوه بر پیام‌رسانی به زیبایی و اثربخشی نوشته توجه می‌شود و از آرایه‌های ادبی بهره برده می‌شود.

درس سیزدهم

جذاب: جذب کننده تألیف: گردآوری، نوشتن

سیما: ظاهر برافراشته: نمایان و پیروز

اقامت: ساکن شدن مرجعیت: پیشوای دین

اقامت: ساکن شدن ناگزیر: ناچار

نهضت: قیام، انقلاب محبوب: دوست داشتنی

امام: پیش‌رو و رهبر مذهبی

مرموز: نامعلوم، پوشیده غافل: نا آگاه

واژگون: سرنگون فروتن: متواضع

گردان: واحد نظامی سوءظن: گمان بد

پاورچین: آرام و بی صدا ژیان: خشمگین

ثواب: اجر و پاداش غوفا: آشوب

کرم: بخشش چینه: دیوار سنگ چین

کسر: کوتاهی طفره رفتن: کوتاهی در کار

نظام: مجموعه‌ی به هم پیوسته، حکومت

تسویه: مساوی کردن، پاک کردن حساب

پل صراط: پلی که در قیامت باید از آن گذر کرد

روضه: باغ (در درس به معنای مصیبت خواندن)

جبهه: پیشانی (ولی در درس به معنای صحنه‌ی جنگ)

دلش آب شد: احساسی و غمگین شد

ختم قرآن: به پایان بردن آموزش خواندن قرآن

تبعید: دور کردن، راندن از محل سکونت

میراث: مال یا اندوخته‌ی برجای مانده

✍ محمد رضا کاتب (متولد ۱۳۴۵): داستان‌نویس با آثاری چون پری در آبگینه، دوشنبه‌های آبی ماه بن؛ جزء ثابت صورت‌های فعل است که مفهوم انجام کار را دربردارد.

✍ شناسه: جزئی از فعل است که به بن اضافه می‌شود و در شش ساخت متفاوت است و شخص و شمار فعل را نشان می‌دهد.

✍ شناسه‌ها عبارتند از: م، ی، د، ϕ ، یم، ید، ند

سوم شخص مفرد فعل‌های ماضی - غیر از ماضی

التزامی - «د» نمی‌گیرد و در اصطلاح به آن شناسه‌ی تهی یا ϕ می‌گویند.

علاوه بر فعل‌های ماضی، دوم شخص مفرد

فعل‌های امر و نهی و سوم شخص مفرد فعل‌های «است» و «هست» شناسه‌ی تهی دارند.

خوار: ذلیل و حقیر	معاصر: هم اثر
دلبستگی: علاقه	هم‌نوا: هم آهنگ
حکمت: دانش	معارف: دانش‌ها
اندرز: پند	چشم‌انداز: منظره
وجد: خوشی فراوان	تغذیه: غذا خوردن
تحسین: آفرین گفتن	مناجات: نیایش، دعا
لفظ: واژه، آنچه تلفظ شود	
خدشه: خراش و اشکال	
تلخ‌کام: ناراحت و آزرده	
برکشم‌دل: علاقه و عشقم را قطع کنم.	
شالیزار: زمین کشت شالی	
غلام علی حداد عادل (متولد ۱۳۲۴): رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نویسنده «فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، و مترجم کتاب تمهیدات	

آدم آهنی: نماد و مظهر فن آوری و ماشین و نیز نماد انسان‌های بی‌احساس و عاطفه و بی‌اراده که مثل آدم آهنی رفتار می‌کنند.

شاپرک: نماد و مظهر طبیعت و عاطفه و احساسات و انسان‌های مهربان و ضعیف خفاش: نماد انسان‌ها خشن و بی‌رحم که تنها به دنبال اهداف خود هستند.

کلمات و ترکیبات:

انبوه: پر رایحه: بوی خوش

گونه: بخشی از صورت / غرّش: فریاد، نعره‌ی خشم‌آلود موزیانه: به صورت آزاردهنده و فریبکارانه

ژیلینسکای ویتاتو (متولد ۱۳۹۲): نویسنده‌ی

اهلی: لیتوانی و صاحب کتاب ملخ شجاع و کرم

کنجکاو دانه‌ی برخی که آب نشد و آدم آهنی و شاپرک.

اگر زمان وقوع فعل آینده باشد به آن مستقبل یا آینده می گویند.

ساختمان فعل مستقبل، این گونه است: خواه + شناسه + بن ماضی

در فعل مستقبل، شناسه به جای آنکه به بن اصلی فعل اضافه شود به فعل کمکی «خواه» اضافه می شود. رمز یا نماد: اگر کسی یا چیزی به عنوان نشانه و مظهر یک ویژگی یا خصوصیت به کار رود مثلاً کوه به عنوان نماد استقامت و «طلوع» مظهر تولد.

داستان نمادین یا رمزی: داستانی که قهرمانان آن هر یک نماد یا رمز یک ویژگی یا خصوصیت باشند. اگر یک یا چند کلمه به هم وابسته شوند یک ترکیب خوانده می شود.

ساختمان بعضی از ترکیبها این گونه است: اسم +

- اسم (ضمیر) یا صفت

📌 ترکیب‌ها به دو نوع تقسیم می‌شوند: اضافی و وصفی

📌 ساختمان ترکیب‌های اضافی (مضاف و

مضاف‌الیه) این گونه است: اسم + - + اسم یا ضمیر

📌 اسم نخستین را مضاف و اسم بعدی یا ضمیر را

مضاف‌الیه می‌خوانند: باغ علی، باغ او

📌 ساختمان ترکیب‌های وصفی (موصوف و صفت)

این گونه است: اسم + - + صفت

- اسم نخستین را موصوف می‌نامند. باغ بزرگ

- برای تشخیص ترکیب وصفی از اضافی می‌توان به

آخر آن‌ها، «تر» افزود، اگر معنادار بود وصفی است

(باغ بزرگ‌تر) و اگر بی‌معنا باشد ترکیب اضافی

است (باغ علی‌تر، باغ او تر) زشی عصر

- روش‌های دیگر مثل اضافه کردن فعل‌های ربطی

(است، بود و...) نیز توصیه می‌شود.

کلمات و ترکیبات:

قرین: همراه	ابدی: همیشگی
پیش کشی: هدیه	رحمت: مهربانی
لغو: باطل، بیهوده	شکوهمند: بزرگ
بوم: زاد گاه، سرزمین	دفن: به خاک سپردن
انعام: پاداش و بخشش	به راه آور: هدایت‌کن
عنایت: بخشایش، لطف	
رفتم از دست: نابود شدم	
جلاد: پوست کن، بی رحم	
سماجت: پافشاری و اصرار	
ترحیم: درود فرستادن بر مرده	
زبانی ده: قدرت سخن‌وری بده	
حداقل: کمترین، اندازه‌ی اندک	
تسهیلات: امکاناتی برای آسان شدن کارها	

کلیک مورمان: نویسنده‌ی مجموعه داستان

نغمه‌ی عشق و ما می‌توانیم

فتح‌اله دیده‌بان: مترجم داستان «قوی سفید»

اسم‌ها و صفت‌ها از جهت ساختمان به دو دسته‌ی

کلی تقسیم می‌شوند: ساده و غیرساده

ساده: اسم یا صفتی است که از یک جزء تشکیل

شد باشد مثل کتاب، گوسفند

غیر ساده: اسم یا صفتی است که بیش از یک جز

دارند مثل آویزه، هنرمند

اسم‌های غیرساده خود به سه دسته مشتق (مثل

بیم‌ناک)، مرکب (مثل کتابخانه) و مشتق مرکب (مثل

خداشناس) تقسیم می‌شوند.

در واژه‌های مرکب، هر دو یا سه جزء معنی دار

است: آب‌دوغ خیار، سخن‌شناس

در واژه مشتق یک جزء با معنی و یک جزء

بی‌معنی است: آهنگر، بادب

در واژه‌های مشتق مرکب، دو جزء با معنی و

یک جزء بی معنی است: حقوق بگیر، گرداگرد

ترجمه: تبدیل محتوای سخن یا نوشته از زبانی به زبان دیگر

📖 مترجم (برگردان): کسی که کار ترجمه را انجام می دهد.

📖 ویژگی مترجم: تسلط به هر دو زبان مبدأ و مقصد
مترجمان هنگام ترجمه از منابعی مانند فرهنگ لغت، دایرةالمعارف ها، فرهنگ نامه و... استفاده می کنند.

📖 خواجهی کرمانی: شاعر قرن هفتم و هشتم و سرایندهی کمال نامه، گوهرنامه و گل و نوروز

گاهی در ترکیب های اضافی و وصفی جای دو کلمه جابه جا می شود که در این صورت به آن ترکیب مقلوب گفته می شود. ترکیب وصفی (مرد جوان ←

جوان مرد) ترکیب اضافی (آب گل ← گلاب)

📖 «نیک مردان» یک ترکیب مقلوب وصفی

است: مردان نیک ← نیک مردان

برای تبدیل واژه ساده به غیر ساده می توان به آن
جزء با معنی یا بی معنی افزود.

❏ **وند:** جزء بی معنی است که به یک واژه ساده
اضافه می شود و آن را به غیر ساده تبدیل می کند.

❏ **انواع وند:** پیشوند (با هنر)، میانوند (سر تا سر)،
پسوند (گوینده)

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir